

اظهارات پایانی یک حسابدار تصادفی



Hans Hoogervorst

هانس هوگروورست (Hans Hoogervorst) به دنبال پایان دوره خدمتش در سمت ریاست هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) در پایان ماه ژوئن، آخرین سخنرانی خود را در کنفرانس مجازی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) ارائه داد. او تأملی بر ده سال مسئولیت خود داشت. در مورد چگونگی تکامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمان ریاستش و همچنین در مورد اهمیت تدوین استانداردهای مستقل، توضیح داد. همچنین، تأملی بر تحولات اقتصادی در زمان ریاست خود کرد.

مقدمه

خوشحال هستم که برای آخرین بار در کنفرانس سالانه بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کنار شما هستم. امیدوار بودم که این رویداد فرصتی را برای دیدار حضوری با همه همکاران و دوستان از سراسر جهان فراهم کند، و این دوره به عنوان رئیس هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری به یک تجربه بسیار خوشایند و ارزشمند تبدیل شود. با این حال، تقدیر این نبود. بنابراین من اینجا هستم و آخرین سخنرانی خود را در اتاق خالی ارائه می‌دهم که با انبوهی از مطالب گفتنی احاطه شده است. تلاش برای تحقق رویاها.

من به عنوان یک حسابدار تصادفی وارد این کار شدم. از طریق آموزش حسابدار نشدم و هنگامی که رئیس هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری شدم، بسیاری از افراد متعجب شدند. با این حال، هنگامی که در اواخر سال ۲۰۱۰ از من پرسیده شد که آیا علاقه‌مند هستم که جانشین دیوید توئیدی (David Tweedie) شوم، در واقع لازم نبود که راجع به آن زیاد فکر کنم. بحران بزرگ مالی در سال ۲۰۰۸، منافع حیاتی استانداردهای بین‌المللی اقتصادی یکپارچه را زیر تأثیر قرار داده بود. برای من به عنوان رئیس هیئت، فرصت خوبی برای کمک به زیرساختهای اقتصاد جهانی فراهم بود.

اقتصاد بین الملل تحصیل می‌کردم، پیش درآمدی از این تفکر را دریافت کردم. استادان من به‌وضوح نسبت به رکود تورمی ناشی از سیاستهای پولی و مالی انبساطی در دهه هفتاد احساس سرخوردگی داشتند. قهرمان آنها پاول ولکر بود که اقدام خیرخواهانه‌ای در جهت پاکسازی این خرابکاری انجام داد.

هنگامی که در اوایل قرن جاری به‌عنوان وزیر دارایی در دولت هلند مشغول به خدمت بودم، همچنان پیمان اجماع واشنگتن در وضعیت عالی قرار داشت. به یقین، تمرکز پیمان اجماع واشنگتن بر نظام مالی به‌من کمک کرد، همان‌گونه که به همکاران پیشین من کمک کرده بود. هر زمان که کسری بودجه رشد به‌سرعت بالایی داشت، یک روایت ساده برای گفتن وجود داشت: دولت درخت پول ندارد، میزان بدهی بالاتر دولت ناگزیر منجر به نرخ بهره بالاتر خواهد شد و افزایش هزینه‌های بهره، مخارج عمومی سودمندتر را کاهش خواهد داد؛ برای نمونه، می‌توان به بخش بهداشت و درمان و آموزش اشاره کرد.

این تفکر اقتصادی، تصمیم‌گیریهایی سخت و دشواری را به‌دنبال داشت و همیشه موجب نمی‌شود که شما را دوباره انتخاب کنند. اما به‌طور کلی، تعهد ما به نظام بودجه، موجب ارائه خدمات بسیار خوبی به هلند شد. همین موضوع، ما را وادار به بررسی دقیق کلیه جوانب وضعیت رفاهی کرد. ما از هیچ اقدامی فروگذار نکردیم و به‌طور کلی، مشوقهای مالی را در بخش بهداشت و درمان، سامانه بازنشستگی و تامین اجتماعی، بهبود بخشیدیم. در نتیجه، رشد اقتصادی سرعت گرفت و هلند توانست وضعیت رفاهی را با پایه اقتصادی بسیار سالم در سطح بالا حفظ کند.

بازگشت به رکود تورمی؟

امروزه، بسیاری اجماع واشنگتن را به‌طرز ناامیدکننده‌ای منسوخ‌شده می‌دانند. مزید بر بحران بزرگ مالی ۲۰۰۸، همه‌گیری کووید نیز به‌راحتی اجماع واشنگتن را به باد داد. اعتماد به تجارت آزاد و بازارهای آزاد با لطمه جدی روبه‌رو شد. انتقاد از جهانی‌شدن که زمانی تفکر غالب در جناحهای چپ‌گرا بود، جذابیت فکری آن را به‌سمت جناح راست‌گرای عوام‌گرا گستراند. کاهش مقررات در بخش مالی تا قبل از سال

این موقعیت به‌دلیل علاقه من به اقتصاد نیز مورد توجه من قرار گرفت. در حالی که بیشتر اوقات از حسابداران تنها به‌عنوان صرفه‌جو یاد می‌شود، تدوین استاندارد حسابداری یک نظام جذاب اقتصاد خرد است. در حقیقت، از دید مدیر صندوق بین‌المللی پول (IMF) که به‌خوبی من را با مسایل اقتصادی آشنا ساخته بود، حسابداری درست می‌تواند پایه و اساسی برای همه اقتصادها باشد. این مسئله همچنین توسط پاول ولکر (Paul Volcker)، شجاع‌ترین بانکدار مرکزی در همه زمانها و اولین رئیس هیئت امنای هیئت به‌رسمیت شناخته شد.

در نبود یک حسابداری مناسب، بینش اتکاپذیری برای عملکرد اقتصادی وجود نخواهد داشت و نهادهای نظارتی به‌سختی در تنگناها پیش خواهند رفت. از نظر وی، استانداردهای بین‌المللی حسابداری چیزی است که فکر زیادی نمی‌خواهد.

در طول دوره تصدی خود در هیئت و به‌عنوان عضو هیئت ثبات مالی، تحولات در اقتصاد جهانی و تفکر اقتصادی را از نزدیک دنبال کرده‌ام. از این گذشته، ما در فضای عاری از تغییر فعالیت نمی‌کنیم و آن‌گونه که حسابداری برای ذخیره زیان وام نشان می‌دهد، گاهی اوقات استانداردهای حسابداری باید با بینش اقتصادی جدید همساز شوند. بنابراین، پیش از آن‌که راجع به فعالیت در هیئت صحبت کنم، اجازه دهید تا درباره تغییرهای بزرگی که در تفکر اقتصادی روی داده و در دهه‌های گذشته شاهد آن بودم، اظهاراتی بیان کنم.

اجماع واشنگتن

پیش از بحران بزرگ مالی سال ۲۰۰۸، اصطلاح اجماع واشنگتن (Washington Consensus) بر تفکر اقتصادی میان سیاست‌گذاران غربی غالب شد. این اصطلاح در سال ۱۹۸۹ توسط اقتصاددان بریتانیایی جان ویلیامسون (John Williamson) ابداع شد که آن را اعتقاد به سیاستهای محتاطانه در اقتصاد کلان و مواهب اقتصاد بازار توصیف کرد. باید از کسریهای مالی بزرگ جلوگیری می‌شد، نرخ بهره نباید به‌طور مصنوعی مخدوش می‌شد، و اقتصادهای ملی باید به‌خوبی با اقتصاد جهانی یکپارچه می‌شدند.

هنگامی که در اوایل دهه هشتاد در واشنگتن در رشته

چارچوب مفهومی به روزرسانی شده

اصول شفاف‌تری برای اندازه‌گیری

ارائه کرده است

داشت که نرخ تورم بتواند مورد مدیریت ذره‌بینی قرار گیرد. وی هشدار داد که به محض رسیدن تورم به ۲ درصد، به راحتی می‌تواند به ۳ درصد یا بیشتر نیز برسد.^۴ به نظر می‌آید که امروزه هشدارهای ولکر با افزایش تورم به بالای ۳ تا ۴ درصد در برخی از مناطق جهان صنعتی، متناسب است.

در همین حال، به نظر می‌آید که قوانین طبیعی نیروی جاذبه اقتصادی به‌طور نامعلومی به حالت تعلیق درآمده است. در حالی که همچنان در حال هضم بزرگترین قراردادهای اقتصادی طی دهه‌های گذشته هستیم، قیمت مسکن در حال سر به فلک گذاشتن است، در بازارهای سهام نیز رکوردی پس از رکورد دیگر ثبت می‌شود، و ورشکستگی در پایین‌ترین سطح تاریخی قرار دارد. البته، می‌توان این تحولات متناقض را یک پیروزی در زمینه مداخله دولت در امور اقتصادی دانست.^۵ با وجود این، دلایلی وجود دارد که می‌توان آنها را به عنوان نشانه‌های افراط دانست. با بدهی‌های معوق و بزرگنمایی گسترده اقتصاد، احتمالاً فعالیت اقتصادی در آینده زیر فشار قرار خواهد گرفت، و بازگشت رکود توری می‌تواند در پیش باشد. حتی اگر این اتفاق نیفتد، انباشت بی‌سابقه بدهی نشان‌دهنده یک خطر جدی برای ثبات مالی است.

محركهای اقتصادی پی‌درپی نیز تاثیر مخربی بر رفتار اقتصادی دارند. نسلی از سرمایه‌گذاران رشد کرده‌اند که انتظار دارند هر زمان که بازار روی خوش نشان نداد، نهادهای نظارتی وارد عمل شوند. مدل‌های تجاری بیش از حد متوازن شده، بارها و بارها به عنوان کمک دولتی به کار رفتند. من به زمان فعالیتیم به عنوان وزیر دارایی فکر می‌کنم. وقتی بانکهای مرکزی ۵۰ درصد یا بیشتر از بدهی‌های منتشر شده را می‌خرند، روایت من

۲۰۰۸، باعث تضعیف اعتماد عمومی به بازارهای آزاد شده بود. بودجه متوازن در هیچ کجا دیده نمی‌شود. این موضوع در چنین زمانهای آزمونی، چندان تعجب‌آور نیست؛ اما میزان کسریها و بدهیها واقعا حیرت‌آور است. در حال حاضر به‌طور میانگین، کسری بودجه در کشورهای پیشرفته دو رقمی است. در حال حاضر، سطح کل بدهی در جهان، در بخش دولتی و خصوصی با رقم بی‌سابقه ۳۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی و در حال افزایش است. ما بیش از سه بار ونیم خانه جهانی خود را به‌گرو گذاشته‌ایم. میثاقهای پولی نیز کنار گذاشته شدند. سرمایه‌گذاران باید بهای امتیاز خرید از کشورهای بدهی سنگین را بپردازند. بانکهای مرکزی، اوراق قرضه دولتی را در مقیاس گسترده خریداری می‌کنند تا به تدریج بدهی عمومی را نقد کنند.^۱

البته، سیاست‌گذاران توان ایستادگی نداشتند، کنار ایستادند زیرا بحران کووید ۱۹ تهدیدی برای از کار انداختن کل اقتصاد جهانی بود.

با این حال، آن‌گونه که ژاک دو لاروسیه (Jacques de Larosière) مدیر عامل پیشین صندوق بین‌المللی پول اظهار داشت، مسئله این است که محرکهای اقتصادی عظیم قلمرو اقتصاد را درنوردید که پیش از آن به واسطه سیاستهای غیرمتعارف درون آن به شدت تهی شده بود.^۲ وی بیان کرد که چگونه حتی نسبت به دهه‌های قبل از ۲۰۰۸، سیاستهای پولی در جهان صنعتی، انعطاف‌پذیرتر شده‌اند. او و بسیاری دیگر، مازاد نقدینگی و بدهی ناشی از این سیاستها را یکی از دلایل اصلی بحران بزرگ مالی سال ۲۰۰۸ می‌دانند.^۳

با این حال، جهان با ترس از این که رکود اقتصادی به یک بحران اقتصادی تبدیل شود، با دوبرابر شدن استخراج پول به این بحران واکنش نشان داد. بانکهای مرکزی به دنبال تصمیم برای پیشگیری از بحران، تصمیم به افزایش تورم و به حرکت درآوردن تمام اهرمها پس از سال ۲۰۰۸ گرفتند.

پاول ولکر در خاطرات خود، بدبینی درخور توجه خود را نسبت به این سیاستها ابراز داشت. وی با هدف تعیین شده برای تورم ۲ درصدی یا به‌طور دقیق زیر ۲ درصد که به ترتیب همه بانکهای مرکزی اتخاذ کردند، موافقت نکرد. وی با خونسردی اظهار داشت که تورم سالانه ۲ درصد، ارزش پول رایج را در کمی بیشتر از یک نسل به نصف کاهش خواهد داد. وی همچنین تردید

این زمینه کسب کرد، افتخار می‌کنیم. **استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ (IFRS9)** با عنوان ابزار مالی، حسابداری مربوط به زیانهای وام را بهبود بخشیده و آن را نسبت به تغییرهای اقتصادی پاسخگوتر می‌کند. **استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۵ (IFRS 15)** با عنوان درآمد ناشی از قرارداد با مشتریان، موجب شناسایی دقیقتر و مقایسه‌پذیرتر درآمد در سطح جهان می‌شود. کیفیت ترازنامه تا حدود زیادی با شناسایی همه بدهیهای اجاره به‌وسیله **استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۶ (IFRS16)** با عنوان قراردادهای اجاره، بهبود پیدا کرد.

اگر کسی همچنان نیاز دارد که در زمینه چگونگی ضرورت استانداردهای حسابداری جهانی مناسب متقاعد شود، تنها حسابداری بیمه را مشاهده کند. در حال حاضر، تنوع زیادی در شناسایی درآمد وجود دارد، تا جایی که برخی از استانداردهای ملی حتی سپرده‌های سرمایه‌گذاری را به‌عنوان درآمد محاسبه می‌کنند. در بسیاری از کشورها، بدهیهای بیمه همچنان با استفاده از نرخهای تاریخی بهره اندازه‌گیری می‌شوند که دیگر در شرایط کنونی نرخ بهره پایین، مربوط نیستند. پس از سال ۲۰۲۳، هنگامی که به‌کارگیری **استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۷ (IFRS 17)** الزامی شود، شناسایی درآمد در سطح بین‌المللی مقایسه‌پذیرتر و اتکاپذیرتر خواهد بود. بدهی بیمه در همه جا با نرخ بهره جاری اندازه‌گیری خواهد شد، که واقعیت را بسیار دقیقتر بازتاب می‌دهد. چارچوب مفهومی به‌روزرسانی شده، اصول شفافتری برای اندازه‌گیری ارائه کرده است، تا هیئت بتواند راحتتر مشخص

در مورد نداشتن درخت پول شاید دیگر قانع‌کننده نباشد. حتی در هلند مقتصد، اکنون نظام بودجه زیر فشار جدی قرار دارد. سیاست‌گذاران از همه این خطرهای آگاه هستند؛ اما به‌طور واضح از آن چه ممکن است با افزایش دوباره نرخ بهره اتفاق افتد، هراس دارند. با وجود این، اگر به‌همین روال ادامه دهیم، بدهی بیشتری انباشته خواهد شد و افزایش نرخهای بهره و بازگشت برای چاره‌اندیشی دشوارتر خواهد بود. واضح است که راه بازگشت به حالت عادی سخت و مشقت‌بار خواهد بود و در این راه، سیاست‌گذاران باید سراپا شهامت باشند. اما نمی‌توانیم به افزایش ریسک در اقتصاد جهانی ادامه دهیم که در حال حاضر بسیار پرریسک است.

تقویت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

پیشنهاد من این است که در حال حاضر، سیاستهای اقتصاد کلان افراطی را کنار بگذاریم و به‌دنیای به‌نسبت ناآرام حسابداری برویم. حسابداری مالی نسبت به اقتصاد کلان افق متوسط‌تری دارد. ما حسابداران مقتصد، به‌دنبال جابجایی یا نفوذ در بازارها نیستیم. هدف ما تنها، توصیف واقعیت اقتصادی تا حد ممکن صادقانه و بی‌طرفانه است.

تحقق این جاه‌طلبی فروتنانه به‌اندازه کافی دشوار است. در یک سخنرانی، بسیاری از نقاط ضعف حسابداری را مطرح کردم. ما ترکیبی از فنون اندازه‌گیری تاریخی و جاری را به‌کار می‌گیریم که باعث ایجاد انواع نبودتطابق در حسابداری می‌شود. حسابداری بهای تاریخی، برخلاف شهرتش در اتکاپذیری، سرشار از برآوردهای ذهنی مانند اندازه‌گیری ارزش مورد استفاده یا عمر مفید دارایی است. داراییهای نامشهود که به‌عنوان محرکهای ارزش برای شرکتها، اهمیت روزافزونی پیدا کرده‌اند، به‌طور عمده در صورت‌های مالی آورده نمی‌شوند. ما نمی‌توانیم به‌طور دقیق توضیح بدهیم که سایر درآمدهای جامع چیست. اگرچه حسابداری تعهدی نسبت به حسابداری نقدی مزیت بسیار زیادی دارد، اما می‌تواند در مقابل مدیریت سود که ریشه بسیاری از رسواییها در حسابداری است، آسیب‌پذیر باشد.

هیئت در دهه گذشته، تلاش زیادی انجام داد تا برخی از این نقاط ضعف را کاهش دهد و درواقع به پیشرفتی که در

بیشتر اوقات خرد جمعی

منبع الهام و پشتیبانی

بوده است

افزون بر این، اطلاعات مالی بیشتری از طریق ابزار الکترونیکی استفاده می‌شود.

نسخه جدید هیئت برای بیانیه گزارش تفسیری مدیریت، چارچوبی جامع را برای کمک به شرکتها فراهم خواهد آورد تا کلیه عناصر بخش تشریحی که مکمل صورتهای مالی گزارش سالانه هستند را در کنار هم قرار دهد. بیانیه گزارش تفسیری مدیریت، یک سکوی پهلویی فراهم می‌کند که در این سکو شرکتها می‌توانند اطلاعات بهتری در مورد داراییهای نامشهود، مدل کسب‌وکار و ظرفیتهای فناوری خود ارائه دهند. هیئت همچنین اقدام در مورد بیانیه گزارش تفسیری مدیریت را شروع کرده است؛ زیرا هیئت نیاز روزافزون شرکتها به گزارش تفسیری در مورد مسائل پایداری را مشاهده می‌کرد. این موضوع همچنین با توجه به اقدام هیئت امانا در زمینه تشکیل احتمالی هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری به عنوان یک هیئت همتای هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، در ساختار راهبری بنیاد اهمیت دارد و هیئت بسیار خرسند است که در آینده از این همتای کوچک استقبال خواهد کرد. بیانیه گزارش تفسیری مدیریت، به عنوان سکوی پهلویی برای اطلاعات پایداری، می‌تواند به عنوان یکی از پیوندهای احتمالی میان هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری در آینده باشد.

تلفیق به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

همچنین، افتخار می‌کنم که چگونه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به عنوان استانداردهای حسابداری پیشرو در اقتصاد جهانی تثبیت شده‌اند. هنگامی که در سال ۲۰۱۱ فعالیت خود را آغاز کردم، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هنوز به نسبت جدید بودند و هیجان عصبی زیادی درباره آینده آنها وجود داشت. از یک سو، هدف هیئت برای مجموعه‌ای واحد از استاندارد جهانی حسابداری همچنان برقرار بود و در تمام اعلامیه‌های هیئت ثبات مالی (FSB) و گروه بیست (G20) به آن اشاره شده بود. از سوی دیگر، ابهام زیادی نیز راجع به این‌که سرانجام ایالات متحد این استانداردها را خواهد پذیرفت یا خیر، وجود داشت. بسیاری

تشکیل احتمالی

هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری

به عنوان یک هیئت همتای

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری

در ساختار راهبری بنیاد

اهمیت دارد

کند که کدام مبنای اندازه‌گیری در چه شرایطی توصیه می‌شود. بسیاری از روشهای مدیریت سود، پیش از دوره من محدود شدند. استاندارد شناسایی درآمد و بیمه، فرصتهای بیشتر برای انجام مدیریت سود را کاهش داد. لغو طبقه‌بندی آماده برای فروش برای ابزار مالکانه در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ نیز تحقق سودوزیان حاصل را در هنگام استفاده از آنها، دشوار کرده است. درواقع، به همین دلیل است که برای ابزار مالکانه آماده برای فروش دلسوزی زیادی می‌شود. من نمی‌خواهم که از موضع خودم حکم صادر کنم، اما در حقیقت امیدوارم که هرگز این مورد بازگردانده نشود. اگر نوسان ابزار مالکانه را دوست ندارید، در سهام سرمایه‌گذاری نکنید.

بعد از این‌که بیشتر شکافهای موجود در زمینه شناخت و اندازه‌گیری را برطرف کردیم، توانستیم انرژی خود را هرچه بیشتر بر بهبود ارائه اطلاعات مالی متمرکز کنیم. پروژه صورتهای مالی اساسی هیئت، ساختار بسیار بهتری را برای صورت سودوزیان ارائه می‌دهد و شفافیت و نظم را در مورد سنجهای غیرهمسو با اصول پذیرفته‌شده حسابداری (non-GAAP) افزایش می‌دهد. پیشنهادهای ما مربوط به بودن صورت سودوزیان را تا حد زیادی افزایش می‌دهد و با علاقه و اشتیاق از سوی سرمایه‌گذاران پذیرفته شده است. ساختار بهتر صورت سودوزیان نیز اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا

قراردادهایی که منقضی شده‌اند) را با سودهای جدیدی که به دلیل نرخ بهره پایین می‌توانند کمتر باشند، مخلوط کنند. صورت سودوزیان حاصل می‌تواند سودهای مصنوعی بالایی را نشان دهد و حتی زیان را جبران کند. اگر اتحادیه اروپا چنین تدبیری را پیش ببرد، امیدوارم که اقدامی انجام شود تا شرکتها افشا کنند که از استثنا استفاده می‌کنند؛ به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران بتوانند آن را به درستی به حساب بیاورند.

در مجموع، استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بخشهای زیادی از جهان تثبیت شده است و دیگر از بحثهای داغ حسابداری نیست. جدال فرهنگی میان طرفداران حسابداری ارزش منصفانه و طرفداران حسابداری بهای تاریخی که همچنان از سال ۲۰۱۱ به قوت خود باقی است، نیز بخش زیادی از هيجانش را از دست داده است. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری یک دوره عملگرایی و مستدل را رهبری کرد که در این دوره، به کارگیری اندازه‌گیری بهای تاریخی به طور پیوسته به کرسی نشست در همان حال که مشکلات حسابداری ارزش منصفانه نادیده گرفته نشد.

هیجان پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی که ۱۰ سال پیش موجب خشنودی من شد، تا حد زیادی از بین رفته است. با وجود این، این واقعیت که فعالیت هیئت اندکی ملالت آور شده است، نکته مثبتی است. این مفهوم را می‌رساند که هیئت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خود را به عنوان زبان پیشرو در حسابداری جهانی به اثبات رسانده است. رویای یک مجموعه واحد از استانداردهای جهانی هنوز تحقق پیدا نکرده است؛ اما میزان یکپارچگی به دست آمده، به ویژه در زمان کنونی تردید نسبت به جهانی شدن، حیرت آور است.

دوست دارم این گونه بیان دیشم که حوزه‌های گزارشگری به دلیل کیفیت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است که در این زمینه همگرا شده‌اند. اما به همان اندازه، سهم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در تسهیل انجام کسب و کارها اهمیت دارد. بسیاری از شرکت‌های ژاپنی به صورت داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفتند؛ تنها به این دلیل که این استانداردها مدیریت یک سازمان چندملیتی را بسیار ساده‌تر می‌سازد.

در این باره نگران بودند که اگر ایالات متحد در پذیرش استانداردها کوتاهی کند، احتمال دارد که جهان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از هم بپاشد.

طی سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، به دلیل تردید زیاد کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) در مورد پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، رویای مجموعه واحد استانداردهای جهانی حسابداری به تدریج کمرنگ شد. به دنبال بحران مالی بزرگ، شرکتها در همه جای جهان فشار زیادی را متحمل شدند و کمیسیون بورس و اوراق بهادار احساس کرد که نمی‌تواند اصلاحاتی را تصویب کند که انجام آن در کوتاه مدت هزینه درخور توجهی ایجاد می‌کند. وزیر دارایی ژاپن نیز پس از سونامی وحشتناک ۲۰۱۱، احتیاط بیشتری را اعمال کرد.

با وجود این، فروپاشی هولناک استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اتفاق نیفتاد. خانواده استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از طریق پیوستن جداگانه حوزه‌های گزارشگری در آسیا و آفریقا ایجاد شد و در نهایت به بیش از ۱۴۰ حوزه رسید. در ژاپن، تعداد شرکت‌هایی که در حال پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هستند، به طور پیوسته در حال افزایش است و طولی نمی‌کشد که بیش از ۵۰ درصد از بازار سهام ژاپن به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تخصیص داده می‌شود. چین با ترکیب همه استانداردهای جدید به هدف هیئت بسیار نزدیک شده است و بسیاری از شرکت‌های چینی قادر به رعایت کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هستند. نکته مهم این که، اتحادیه اروپا که رویای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را در سال ۲۰۰۵ به واقعیت تبدیل کرد، تاکنون توانسته است که در مقابل وسوسه افزودن استثنا به استانداردهای هیئت، ایستادگی کند.

کسانی که تصویب استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۷ (IFRS 17) را از نزدیک دنبال می‌کنند، در جریان هستند که احتمال مشخصی وجود دارد که اروپا به آنجا برسد که راه‌گزینی در الزامهای گروه‌بندی سالانه این استاندارد را برای برخی از موسسه‌های بیمه ایجاد کند. این موضوع به بیمه‌گران امکان می‌دهد که سودهای قدیمی (حتی در

و در پایان، به نظر من راهبری بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، اتکاپذیری استانداردهای هیئت را بسیار تقویت کرده است. امیدوارم که استقلال نسبی هیئت و محافظت از آن در برابر زدوبندهای بیش از حد، بتواند به اعتمادپذیری آن کمک کند. درواقع، پاسخ مشتاقانه ذینفعان به نقش پیشنهادی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در گزارشگری پایداری، به میزان زیادی در نتیجه اعتماد به راهبری و روش درست انجام کار هیئت بود.

سخنان پایانی

من این سخنرانی را با شناخت اهمیت افراد و به‌ویژه اهمیت روابط شخصی در حرفه ما آغاز کردم. بیش از هر چیز، داستان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ماجرای افراد نامدار از سراسر جهان است که برای دستیابی به یک هدف مشترک و متعالی با هم همکاری می‌کنند.

به‌ویژه، می‌خواهم کار بدیع هیئت امنا را معرفی کنم که با رهبری توانای ارکی لیکانن (Erkki Liikanen) و پیش از او میشل پرادا (Michel Prada)، هدایت شدند. بیشتر اوقات، خرد جمعی آنها منبع الهام و پشتیبانی بوده است. همچنین، می‌خواهم که صمیمانه از همکاران خود در هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری چه در گذشته و چه در حال به‌خاطر سخت‌کوشی، پشتیبانی و بیش از همه همراهی‌شان، تشکر کنم. خرد جمعی هیئت‌مدیره با داشتن یک رئیس غیرفنی، هرگز تا این حد اهمیت نداشته است! می‌خواهم تشکر ویژه‌ای از نایب رئیس هیئت، سو لویید (Sue Lloyd) داشته باشم که توانستم مسئولیت‌های زیادی را به او واگذار کنم و همیشه هوش سرشار او را تحسین کردم.

از نیلی شاه (Nili Shah) و لی وایت (Lee White) کارشناسان نامدار فنی و عملیاتی هیئت تشکر می‌کنم. استعدادهای زیادی در سازمانهای ما وجود دارند و پیش از این من هرگز در چنین فرهنگ بسیار دوستانه و مشارکتی کار نکردم. جانشین من، آندریاس بارکو (Andreas Barckow)، با گروه بزرگی از افراد مشغول به فعالیت است و با توجه به آگاهی عمیق خود در مورد افراد و کار ما، تردیدی ندارم که او وضعیت مطلوبی برای رشد دارد. و در آخر می‌خواهم از شما، جامعه جهانی

شگفت‌انگیز استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، اعضای کمیته تفسیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRIC) و هم‌نشینی مشورتی استانداردهای حسابداری (ASAF)، سرمایه‌گذاران، تهیه‌کنندگان، سازمانهای بین‌المللی، تدوین‌کنندگان استانداردهای مالی، اعضای حرفه حسابداری، دانشجویان و از همه شما، تشکر کنم.

متشکرم. دلم برای همه شما تنگ خواهد شد و به‌واقع امیدوارم که در آینده دوباره مسیرهای ما با هم تلاقی داشته باشد.

اکنون ستم را به آندریاس بارکو تحویل می‌دهم تا به او فرصت دهم خودش را معرفی کند: آندریاس، صحنه متعلق به توست!



پانوشته‌ها:

۱- اقتصاددان بلژیکی پل دوگراو (Paul de Grauwe) به‌تازگی بیان کرد که چگونه سیاست تسهیل کمی (خرید اوراق بهادار به‌وسیله بانک مرکزی) در اصل منجر به ابطال بدهی عمومی می‌شود. هرگونه سود پرداختی توسط دولت‌ها سود برای بانکهای مرکزی است، که آن را به‌عنوان سود سهام به دولت برمی‌گرداند. تا زمانی که اوراق قرضه در سررسید تمدید می‌شوند، که در حال حاضر تقریباً در همه موارد وجود دارد- دولت نیز نگران بازپرداخت آن نیست.

ECB: Does It Make a Difference? Feb. 15th, 2020

2- Jacques de Larosiere, Clearing Landmines After the War, INFUF, April 2020

3- Jacques de Larosiere, The Demise of the Bretton-Woods System Explains in Great Part Our Present Problems, Madrid, 10 January 2019

4- Paul Volcker: Keeping it It: The Quest for Sound Money and Good Government, 2018

5- Interview with Larry Summers, Financial Times, April 12, 2021

منبع:

. Hoogervorst H., **Final Observations of An Accidental Accountant**, IFRS, June 2021